

بسم الله الرحمن الرحيم

مقایسه عوامل بازدارنده از تقوی در قرآن کریم و عهد عتیق با تأکید بر ریشه‌های

تاریخی

چکیده

مسئله تقوی همواره در ادیان ابراهیمی از جمله اسلام و یهودیت، مورد توجه بزرگان و اندیشمندان ادیان بوده است. حفظ تقوی با شناخت عوامل بازدارنده از آن تحقق می‌یابد و تقویت آن بدون شناخت موانع تقوی میسر نخواهد بود. مفهوم تقوی از زمان جاهلیت و در طول تاریخ، دچار تحولات معنایی شده است، به طوری که مفهوم آن در گذشته به معنای فعلی نبوده و به مرور زمان تغییر یافته و به شکل حاضر در آمده است.

در قرآن و عهد عتیق، نوع عبادت‌ها و نحوه انجام و میزان آن، هشدارها، توصیه‌ها و شدت برخورد و مواجهه با گناهان، متفاوت بوده و بر اساس مجموعه بایدها و نبایدهای موجود، راهکارهای رفع موانع تقوی مشخص می‌شود.

بررسی ریشه‌های تاریخی عوامل بازدارنده از تقوی نشان می‌دهد که موانع تقوی در طول تاریخ در میان اقوام مختلف وجود داشته است و رفع موانع تقوی نیز مستلزم شناخت عواملی است که به نوعی در ایجاد تقوی اختلال به وجود می‌آورند. با شناسایی موانع تقوی و رفع موانع، می‌توان برای حفظ و تقویت تقوی تلاش نمود. لازمه ایجاد تقوی و حفظ آن رفع موانع آن بوده و دستیابی به تقوی صرفاً با عمل به اوامر الهی و پرهیز از نواهی الهی میسر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، عهد عتیق، تقوی، موانع، ریشه‌های تاریخی.

درآمد

قرآن درباره تقوی آیات فراوانی دارد و علاوه بر ارائه راهکارهای تقویت و حفظ تقوی؛ عواملی که موجب بی‌تقوایی هر یک از اقوام در طول تاریخ است، صراحتاً مشخص شده و آیات بسیاری در این رابطه نازل شده است. از جمله مهم‌ترین عوامل بازدارنده از تقوی و آنچه سبب بی‌تقوایی اقوام مختلف پیامبران در طول تاریخ شده، نافرمانی از اوامر پیامبران الهی و ارتکاب گناهان متعدد است. در قرآن از میان اقوام و پیروان ادیان، بیشترین سخن درباره قوم یهود بوده و بیشترین اشکال وارده در مسائل اعتقادی و اخلاقی مربوط به این قوم است. به عنوان نمونه در عصر پیامبر اسلام جامعه یهود به دور از تقوی و پرهیزکاری بوده؛ **الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ** (انفال: ۵۶). برخی گفته‌اند: مقصود از «الَّذِينَ...» گروه‌هایی از یهود عصر پیامبر (ص) است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۳/ ۸۴۹). با نگاهی به آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که این بیداری و هوشیاری نسبت به روز داوری و آخرت در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد که او را به سوی تقوای همیشگی فرا می‌خواند و لازمه داشتن تقوای همیشگی، رفع موانع آن است.

در عهد عتیق تقوای خداوند عبارت است از افاضه رحمت به بندگان و مفاد آن این است که خداوند نیاز موجودات را برآورده و هریک را به سوی کمالی که شایسته آن است، هدایت کرده و نائل می‌سازد؛ تقوای بندگان در برابر خداوند نیز عبارت است از اطاعت و محبت الهی، و تقوی در این سطح والا، انسان را شبیه خدا می‌کند و تحقق این اصل با اعتقاد به معاد میسر خواهد بود. بر این اساس، اعتقاد به آخرت با تقویت و حفظ تقوی همراه بوده و رفع موانع آن نیز امری ضروری، به شمار می‌آید.

طرح مسأله

تقوی در قرآن محوری‌ترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. اعتقاد به آخرت و داوری دقیق خدا و غفلت نداشتن از انجام عبادات الهی، بیداری و هشیاری برای روز داوری، از برجسته‌ترین عوامل در حفظ و تقویت تقوای اسلامی است که در رفع موانع تقوی تأثیر مستقیمی دارد.

آگاهی از ضرورت حفظ تقوی و همچنین روش‌های تقویت آن، برای رفع موانع تقوی ضروری است. امام علی (ع) درباره تقوی می‌فرماید: «گناهان همچون مرکب‌های سرکش است که گناهکاران بر آنها سوار می‌شوند و لجامشان گسیخته می‌گردد و آنان را در قعر دوزخ سرنگون می‌سازد، اما

تقوی مرکبی است راهوار و آرام که صاحبانش بر آن سوار می‌شوند. زمام آن‌ها را به دست می‌گیرند و تا قلب بهشت پیش می‌تازند (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹ ش، ۱۶).

طبق آیاتی از عهد عتیق جوهره تقوی، صلاح و رحمت است (امثال، ۲۰/۲۸؛ مزامیر، ۱۰/۲۵). تقوی در عهد عتیق به دو دسته تقسیم می‌شود: تقوی در روابط بشری و تقوای متقابل بین انسان و خداوند (گروهی از نویسندگان، ۱۹۸۶ م، ذیل واژه «تقوی»).

الف. تقوی در روابط و مناسبات بشری؛ تقوی در روابط بین خویشاوندان (پیدایش، ۴۷، ۲۹)، تقوی در روابط بین دوستان (سموئیل اول، ۲۰/۸)، تقوی بین هم پیمانان (پیدایش، ۲۱، ۲۳).

ب. تقوای بین انسان و خداوند؛ تقوی، رابطه‌ای دوسویه بین خداوند و اسرائیل است. تقوای الهی به بشر عبارت است از افاضه کردن رحمت مکرر به بنی اسرائیل در مقابل عهدی که با ایشان بست. (خروج، ۳۴، ۶؛ ارمیا، ۳۱، ۳۰؛ اشعیا، ۵۴، ۱۰). در مقابل، تقوای اسرائیل به خداوند عبارت است از اطاعت و محبت؛ ترس از خدا، دوست داشتن، عبادت کردن با جان و دل و پیروی و اطاعت از اوامر و فرائض او (تثنیه، ۱۰/۱۳-۱۲).

در این تحقیق رویکردها، راهبردها و راهکارهای مطروحه در رفع موانع تقوی در دو مکتب ذکر شده است و نگاهی جدید به موضوع تقوی از حیث معرفی شناخت موانع و رفع آن، مطرح است. برخی عوامل در پیدایش و حفظ تقوی، تحقق و تقویت این هدف مقدس نقش مستقیم دارند از جمله: محاسبه نفس، کنترل زبان و اصلاح آن، توجه به حضور خدا و... در مقابل برخی عوامل وجود دارند که مانع رعایت تقوی می‌شوند؛ غفلت و فراموشی خدا، خیانت، غیبت، تهمت، سخن چینی و بسیاری از گناهان دیگر، از جمله موانع بازدارنده تقوی هستند. در این تحقیق پس از شناسایی موانع بازدارنده از تقوی، بر اساس منابع موجود در دو مکتب، راهکارهای مناسب و کاربردی برای رفع موانع را تشریح نموده‌ایم. به همین منظور، در این مقاله بر اساس منابع قرآن و عهد عتیق موانع تقوی مشخص شده و علاوه بر ذکر ریشه‌های تاریخی تقوی و تحولات رخ داده در مفهوم آن، وجوه اشتراک و افتراق بیان شده و با استناد به این مطالب، دیدگاه مطلوب مشخص شده است.

۱. مفهوم تقوی و ریشه‌های تاریخی آن

با بررسی سیر تاریخی واژگان در قرآن، در می‌یابیم که اغلب واژگان به کار رفته در قرآن یک زمینه پیش از قرآنی داشته است و پیش از آن که واژه تقوی در قرآن به عنوان یکی از واژگان کلیدی برجسته قرآنی اهمیت داشته باشد، در جاهلیت واژه‌ای بسیار پیش پا افتاده و معمولی و به معنای دفاع از نفس همراه با ترس بود. برخی از واژگان کلیدی قرآنی پیش از اسلام در جاهلیت به عنوان واژگان کلیدی دارای نقشی برجسته بودند. تنها دگرگونی این بود که ساخت معنا شناختی آنها پس از انتقال از یک دستگاه به دستگاه دیگر دگرگونی پیدا کرد. در قرآن پیوسته تقوی رنگ دینی دارد اما در جاهلیت، این فعل غالباً به معنای مادی و جسمانی به کار می‌رفته است. واژه تقوی در جاهلیت معنای دیگری داشت که در قرآن به شیوه‌ای باور نکردنی تغییر ماهیت و انقلاب ماهوی داد. این واژه در جاهلیت به صورت کلی اصلاً به معنایی بود که ارتباط و پیوندی با دین نداشت و درحقیقت یک واژه دینی به شمار نمی‌رفت. در طول تاریخ و در گذشتگان و همچنین سخن برخی ادیبان، تقریباً هر جا با این واژه مواجه می‌شویم، پیوسته ساخت تصویری اساسی واحدی دارد؛ و به صورت قطعی از روی آنها ظاهر می‌شود که این واژه هیچ دلالت دینی با خود نداشته است تا چه رسد به معنای زهد و ورع باشد. به نظر می‌رسد تقوی در جاهلیت به معنای آن بوده است که انسان میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد چیز دیگری را قرار دهد که بتواند با جلوگیری از رسیدن به آن از خود حمایت کند. به طور خلاصه به معنای دفاع از خویشتن به وسیله چیزی بوده است.

مفهوم تقوی که به لحاظ اخروی بسیار مورد توجه و اهمیت بوده، به مرور زمان و در یک فرایند تاریخی، رنگ اخروی آن کاسته می‌شود تا سرانجام معنای تقوی به مرحله‌ای می‌رسد که در آن دیگر ارتباط آشکاری از تصویر روز داوری و هول و هراس‌ها در آن دیده نمی‌شود و به صورت نزدیک‌تری هم سنگ و هم‌تراز زهد و ورع در می‌آید. در این مرحله تقوی با تصور ترس و خوف یا اصلاً ارتباطی ندارد و یا اگر ارتباطی دارد؛ ارتباطی بسیار اندک است. به همین دلیل است که قرآن واژه متقی را غالباً در مؤمن متورع و زاهد به کار می‌برد که متضاد آن کافر است. برای متقی در این مرحله در خود قرآن تعریفی آمده است که تفاوت اساسی با مسلم و مؤمن ندارد. بر اساس تعالیم قرآنی؛ متقی به معنای کسی است که: به غیب ایمان دارد، نماز را برپا می‌دارد و از آنچه خدا روزی او کرده است انفاق می‌کند، به آن چه بر پیامبر اسلام و پیامبران پیش از فرود آمده مومن است و به آخرت یقین دارد. در این جا می‌بینیم که تقوی در یک تحول ماهوی از یک معنای مادی

محض چگونه به یک مفهوم دینی ارتقا می‌یابد و جایگاه کانونی در دستگاه تصویری و جهان بینی قرآنی پیدا می‌کند.

۱-۱. **معنای لغوی تقوی:** تقوی اسم مصدر از ریشه «وقی» در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق العاده است (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ۱۵/۴۰۲؛ کفعمی، ۱۴۲۴ق، ۶۶۹).

۱-۲. **معنای اصطلاحی:** تقوی در اصطلاح صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند، باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد. وقی ریشه تک معنایی دارد که دلالت می‌کند بر دفع کردن چیزی از چیز دیگری به وسیله عاملی دیگر و وقایه یعنی محافظت کردن و مصون داشتن هر چیز از عواملی که آزار و زیان بدان رساند (عبدالباقی، ۱۴۱۸ق، ۶/ذیل ماده «وقی»).

همچنین تقوی در ادبیات معارف اسلامی به معنای حفظ خویشتن از مطلق محظورات است؛ اعم از محرّمات و مکروهات (عباسی، ۱۳۸۲ش، ۸/۴۴۶). برخی ترک بعضی از مباحات را نیز در تحقق این معنا لازم دانسته‌اند، چنان‌که پیامبر اکرم، وجه نام‌گذاری پرهیزگار به متقی را، انجام ندادن برخی از مباحات به انگیزه پرهیز از حرام‌ها دانسته است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱/۸۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۱/۲۶۷).

برخی پژوهشگران با توجه به آیات قرآن، چهار معنا برای تقوی بر شمرده‌اند:

الف. به معنای حائل قراردادن چیزی بین خود و آنچه می‌ترسد (ایزوتسو، ۱۳۷۳ش/۳۰۵). وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَابًا تَقِيكُمْ الْحَرَ (نحل: ۸۱). این معنا در میان اعراب پیش از ظهور اسلام نیز کاربرد داشته است (جلیلی، ۱۴۰۰ش، ۱۷). بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که مسئله تقوی پیشینه تاریخی داشته است و مختص ادیان الهی نبوده است.

ب. به معنای ترس از قهر یا عذاب الهی در آخرت (طبری ۱۴۱۲ق، ۹/۴۹۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۳/۲۶۷)؛ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده: ۲).

ج. به معنای عمل به طاعت و ترک گناه (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹/۲۱۷-۲۱۸)؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُنْتُمْ نَفْسًا مَّا قَدَّمْتُمْ لِعَدِّ (حشر: ۱۸).

د. معنای دیگر تقوی، نوعی حالت قلبی و ملکه نفسانی است که موجب بصیرت انسان به طاعت و معصیت بوده و حصول این معنا، منوط به تبعیت از اوامر و نواهی الهی و مداومت بر انجام آن‌ها است (حیدری، ۱۴۲۶ق، ۷۹۸).

۲. مفهوم عهد عتیق

عهد عتیق یا عهد قدیم نامی است که مسیحیان به تاناخ (کتاب مقدس عبری) دادند (عهد عتیق و جدید، ۱۳۸۳ش، ۱۵). اصطلاح عهد عتیق از نظر مسیحیان، ناظر به پیمانی است که خدا با پیامبران پیش از عیسی بسته بود. در این پیمان نجات بشر (یا مرتبه‌ای از آن) با وعده و وعید، قانون و شریعت به دست می‌آید.

بر طبق آموزه سنتی یهودیت و مسیحیت، تنخ که مسیحیان آن را عهد قدیم می‌نامند، توسط انبیا، و از زمان موسی (که تورات را نگاشت) تا زمان عیسی مسیح به نگارش در آمده‌اند. عهد عتیق مجموعه ۳۹ کتاب است (نیکزاد، ۱۳۲۳ق، ۹۸).

عهد عتیق، در زمان معین و شخصی معین تنظیم نیافته بلکه، مجموعه اسفار آن توسط افراد مختلف، در دوران‌های گوناگون نگارش شده است. نخستین سفر از این اسفار را سفر عاموس و آخرین آن‌ها را سفر دانیال دانسته‌اند. سفر نخستین چنان‌که گفته‌اند در سال ۷۵۰ پیش از میلاد و سفر آخرین در قرن دوم پیش از میلاد نوشته شده است (آذرنوش، ۱۳۸۸ش، ۱۹).

۳. پیشینه بحث

تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری درباره تقوی انجام شده است و اغلب پیرامون مسائل اخلاقی و اعتقادات اسلامی بوده که در برخی موارد نیز این موضوعات به صورت تطبیقی بین ادیان انجام شده است. به عنوان نمونه موضوعاتی مانند: «رابطه تقوی، صبر و وحدت»، «معناشناسی واژه تقوی در قرآن»، و پژوهش‌هایی مانند آن، انجام شده است. و موارد فوق ارتباطی با موضوع این تحقیق ندارد و برخی پژوهش‌های انجام شده نیز که به نوعی با موضوع ما مرتبط هستند اغلب درباره مسائل عبادی و پیرامون مسائل کلی هر مکتب است که به صورت مجزا درباره تفکر یهود و یا تفکر اسلامی و اعتقادات آنها بوده و کار تطبیقی با رویکرد تاریخی درباره موانع تقوی نبوده است. در تحقیق حاضر، به موضوع موانع بازدارنده از تقوی در قرآن و عهد عتیق بر اساس ریشه‌های تاریخی تقوی پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق میان دو مکتب در این زمینه بیان شده است.

۴. موانع بازدارنده از تقوی بر اساس تعالیم قرآن

موانع بازدارنده از تقوی از نگاه قرآن کریم عبارتند از: ناامیدی، غفلت، کاهلی، نداشتن اراده راسخ در انجام فرائض دینی و همچنین ترک گناه، سهل‌انگاری و اصرار بر گناه، توبه نکردن و پشیمان

نبودن از انجام گناهان، سهل انگاری در امور عبادی، خصومت با دیگران، کنترل نکردن زبان، غیبت، تهمت، سخن چینی و نداشتن خویشتن داری و صبر، نداشتن اخلاق نیک و بسیاری از رذایل اخلاقی و گناهان آشکار و پنهان، جهل، کتمان حقایق الهی، فتنه‌گری، کبر و غرور، شرک، فساد، پیمان شکنی، عناد و لجاجت، دنیا طلبی، عصیان و تمرد، ظلم و دشمنی با دیگران، اطاعت از غیر خدا، کوردلی، کفر، تکذیب پیامبران، فسق و فجور، بی عدالتی در امور، خشونت و بدرفتاری، استکبار، پیروی از شیطان، عذر تراشی و توجیه کارهای اشتباه، ناسپاسی، ترک فرامین الهی و... در ادامه مهم‌ترین موانع بازدارنده از تقوی در قرآن کریم توضیح داده شده است.

۱-۴. **غفلت:** غفلت مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که هرگونه بی‌خبری از شرایط زمان، مکان و واقعیت‌های فعلی و آینده و گذشته در انسان و همچنین صفات و اعمال او و هشدارهایی که حوادث تلخ و شیرین زندگی، که به آدمی می‌دهد را شامل می‌شود. حالت غفلت، بی‌خبری از خداوند متعال و بی‌توجهی به هویت و نیازهای واقعی انسانی است که مانع ارتباط انسان با خالقش است. خداوند می‌فرماید: **وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹).**

۲-۴. **عذر تراشی:** حالت دیگری که آدمی به مرور زمان با انجام اعمال زشت گرفتار آن می‌شود، عذر تراشی و توجیه آفرینی او بر اعمال ناپسند است. در زمان ابلاغ رسمی دین اسلام توسط پیامبر اکرم، بسیاری از افراد با بهانه‌گیری و عذرهای غیرموجه از فرمان الهی و پذیرش اسلام سرپیچی می‌کردند. **بَلِ الْإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ، وَكَوُاْ أَلْفَى مَعَاذِرِهِ (قیامت: ۱۴-۱۵).**

۳-۴. **عُجْب:** ارتکاب گناهانی که نشأت گرفته از غرور و نخوت است از جمله موانع مهم در حفظ تقوی است. و اذا قيل له اتق الله اخذته العزه بالاثم (بقره: ۲۰۶). داشتن غرور و تکبر در اقوام مختلف و در زمان‌های گوناگون، در مقابل پذیرش دعوت پیامبران به خداپرستی، از جمله مهم‌ترین عوامل بازدارنده از تقوای الهی در طول تاریخ محسوب می‌شود.

۴-۴. **کفر و بی ایمانی:** به واسطه کفر، ابزار اصلی شناخت یعنی قلب، چشم و گوش از کار می‌افتد. **خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً (بقره: ۷).** مفهوم این آیه ظلمت و گمراهی مطلق است. در آیه دیگر می‌فرماید: **وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (نور: ۴۰).**

در سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: ۹۶). سرّ مهم پذیرش دین، داشتن ایمان است که در طول تاریخ افرادی که به پیامبران الهی و خدای یکتا ایمان نیاورده‌اند، مسلماً از تقوای الهی بی‌بهره بوده و بزرگ‌ترین عامل بازدارنده آنها در بی‌تقوایی، نداشتن ایمان به خدا و پیامبرانش بوده است.

۴-۵. **ترک اوامر الهی:** انجام ندادن دستوراتی که شرع مقدس واجب دانسته از جمله: نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر و... زمینه ارتکاب گناهان را تشدید نموده و از بزرگ‌ترین موانع بازدارنده از تقوی به شمار می‌آید. نماز خواندن سبب پایداری در مسیر حق بوده و موجب حفظ تقوی و دوری از گناه است و ترک آن یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از تقوی است. فی جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ الْمُجْرِمِينَ، مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (مدثر: ۴۳-۴۰).

در اهمیت انجام اوامر الهی روایتی از ابوبصیر به نقل از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ (آشتیانی، ۱۳۶۲ش، ۲ / ۴۵۱). همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمرد، نرسد.

۴-۶. **ناامیدی و یأس از رحمت خدا:** انسان ناامید همیشه شکست خورده است و توان حفظ تقوای الهی را ندارد چراکه انگیزه‌ای برای عبادت خدا ندارد. بر اساس مستندات تاریخی ناامیدی یکی از مهم‌ترین موانع بازدارنده از تقوی در تمامی جوامع محسوب می‌شود. خودکشی نمونه بارز ناامیدی است که در تمامی جوامع و اقوام مختلف رخ داده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: یا عِبَادِ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ (زمر: ۵۳). در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (حجر: ۵۶).

۴-۷. **جهل:** وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (اعراف: ۱۳۸). این آیه به صراحت بیانگر این است که سرچشمه بت‌پرستی، جهل و نادانی بشر است؛ از یک طرف جهل او نسبت به خداوند و عدم شناخت ذات پاک او بر اینکه هیچ‌گونه شبیه و نظیر و ماندی برای او تصور نمی‌شود؛ از سوی دیگر جهل انسان نسبت به علل اصلی حوادث جهان، که گاهی حوادث را به یک سلسله علل خیالی و خرافی مثل «بت» نسبت می‌دهد؛ و از سوی سوم جهل انسان به جهان ماوراء طبیعت و

کوتاهی فکر او، تا آنجا که خارج از مسائل حسی را باور نمی‌کند. این نادانی‌ها در طول تاریخ، انباشته شده و سرچشمه بت پرستی شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ۶/۳۳۵). یکی دیگر از تاثیرات جهل که قرآن به آن اشاره فرموده، انکار و ردّ دین و مظاهر آن می‌باشد؛ مانند انکار قرآن که در واقع عامل انکار، جهل و عدم آگاهی انسان‌ها از محتوا و حقیقت آن بوده و قرآن آن‌ها را از جمله ظالمان شمرده است. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده: *أَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ* (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۴/۱۷۵). دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌هاست.

در وقایع تاریخی، بسیاری از اقوام به دلیل تبعیت جاهلانه و تعصب بی‌جا از اجداد خود، دچار سرنوشت شومی شده‌اند. تا جایی که برخی به تعداد قبور خود در قبرستان افتخار می‌کردند. بنابراین جهل و عدم آگاهی انسان که ناشی از خرافات و تقلید از مذهب نیاکان اوست، از موانع دستیابی به تقوای الهی است که سداً راهش شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ۸/۲۰۵).

۴-۸. **گناه:** از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل بازدارنده از تقوی، گناه و عصیان است. ارتکاب گناه، انسان را گرفتار مهلکه‌هایی می‌کند که گاهی موجب بی‌تقوایی محض می‌شود و راهی برای برگشت باقی نمی‌ماند. فردی که گرفتار گناه می‌شود به مرور زمان دچار بی‌تقوایی شده و گناه برای آن یک عمل عادی محسوب می‌شود.

ارتکاب گناه برای یک زمان و یک قوم خاص نبوده و در میان تمامی اقوام از ابتدای خلقت انسان، همراه انسان بوده است. خداوند در قرآن درباره گناه می‌فرماید: *وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ* (اعراف: ۹۶).

۵. راهکارهای رفع موانع تقوی در قرآن

برخی عوامل که در رفع موانع تقوی نقش مهمی دارند و در قرآن بدان تأکید شده است، عبارتند از: پرسش از اهل ذکر (نحل: ۴۳)، همت (آل عمران: ۱۵۹)، سعه صدر در امور (انشراح: ۱)، ایمان (فتح: ۴)، جهاد (عنکبوت: ۶۹)، داشتن امید (حجر: ۵۶).

در ادامه برخی عوامل که برای رفع موانع تقوی موثر بوده و در قرآن آمده است، ذکر می‌شود.

۵-۱. **بینش، بصیرت و معرفت:** ثمره نداشتن بینش، جهل و نادانی است. *وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ* (بقره: ۱۷۱). جهل و نادانی در

مقابل تبیین و آگاهی قرار دارد، انسان به واسطه کسب آگاهی و قدرت تشخیص و تبیین امور می‌تواند این مانع رفع نماید.

۲-۵. صبر و شکیبایی: صبر نقش بسیار مهمی در رفع موانع تقوی دارد. وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران: ۱۸۶). صبر یکی از نشانه‌های مهم تقوی است، و اگر صبر نباشد تقوی محقق نخواهد شد. بنابراین صبر هم در ایجاد تقوی و هم در رفع موانع نقش بسیار مهمی دارد.

۳-۵. توسل: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (مائده: ۳۵). در بحث توسل، می‌توان به گزارش خبری قرآن از توسل آدم به کلمات اشاره کرد: فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۳۷). زمانی که آدم (ع) توسل نموده و برای رفع مانع میان خود و خدا تلاش کرد، خداوند نیز درخواست او را پذیرفت.

۴-۵. عبادت (نماز، روزه، زکات، دعا...): انجام عبادات حکمت‌هایی دارد که برخی از این حکمت‌ها؛ دوری از گناه، و تقویت تقوی فردی و اجتماعی، رفع موانع بازدارنده از تقوی و... است.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت: ۴۵). در آیه فوق، رابطه نزدیکی میان «عبادت» و تقوی و پرهیز از گناه و پرورش فضائل اخلاقی دیده می‌شود. انسان به واسطه انجام عبادات مطرح شده می‌تواند موانع تقوی را رفع کند.

۶-۵. توبه: یونس (ع) در شکم ماهی، به یاد خدا بوده و توبه نمود و خداوند دعای او را اجابت کرد، و توبه او را پذیرفت؛ لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (انبیاء: ۸۷). یونس (ع) حقیقتاً توبه کرد و تسبیح خدا گفت و اقرار به گناه خود نمود تا نجات یافت. از آیه مذکور این گونه برداشت می‌شود که تازمانی که انسان از گناه خود توبه نکرده و به راه حق بازنگردد، مانعی میان خود و خدا قرار داده است.

۶. موانع بازدارنده از تقوی بر اساس منابع عهد عتیق

انسان در معرض و مستعد گناه است و گناه از مهم‌ترین موانع تقوی در عهد عتیق محسوب می‌شود که باعث بیماری و نارسایی روان و اخلاق آدمی می‌شود و زمانی که انسان در دام گناه گرفتار شده، نمی‌تواند تقوای الهی پیشه نماید. در ادامه به موانع بازدارنده از تقوی در عهد عتیق می‌پردازیم.

۱-۶. **غیبت:** حضرت داوود در مزامیر (فصل ۱۵) پس از تأکید بر خداترسی و موارد دیگر، به پرهیز از غیبت، پرداخته و آورده است: کسی که به زبان خود غیبت ننماید و به دوست خود بدی نکند، و آن‌که این را به جا آورد تا ابد لغزش نخواهد داشت. از مطلب مذکور چنین برداشت می‌شود که در منابع عهد عتیق به ویژه مزامیر داود (ع)، غیبت کردن و صحبت نمودن درباره دیگران در غیاب آنها، نه تنها انسان را از فیض الهی محروم می‌سازد، بلکه مانعی میان بنده و معبودش ایجاد می‌کند.

۲-۶. **داشتن روحیه طغیان‌گری و تمرد:** در مزامیر فصل ۱۰۶ آیه ۴۳ می‌فرماید: چندین بار ایشان (بنی اسرائیل) را خلاصی داد، لکن به مشورت‌های خویش بر او تمرد کردند، و به سبب گناه خویش خوار گردیدند. بنی اسرائیل از مجازات چهل سال آوارگی و محرومیت عبرت نگرفتند و باز هم راه تمرد و نافرمانی را ادامه دادند و وقتی آنها بار دیگر از ظلم حاکمان ستمگر به ستوه آمده بودند از پیامبر خدا (اشموئیل) خواستند فرمانده و رهبری برای آنها تعیین کند تا نبرد کنند. به آنها گفته شد آیا آمادگی مبارزه دارید و نافرمانی نمی‌کنید گفتند چرا تمرد کنیم و با دشمنانی که ما را از خانه و فرزندانمان دور کرده پیکار نکنیم؟ پس اشموئیل به فرمان الهی طالوت را به فرماندهی آنها منصوب کرد اما جز عده کمی همگی از همراهی و اطاعت او سرپیچی کردند و آنها هم که همراهی کردند در آزمون نوشیدن آب نهر بیشترشان نافرمانی و تمرد کردند.

بر این اساس می‌توان این‌گونه برداشت نمود که با وجود فرصت‌هایی که خداوند به بنی اسرائیل برای جبران سرپیچی از فرامین الهی، داده است، آنان به سرکشی و طغیان‌گری ادامه داده و دست از نافرمانی بر نداشتند.

۳-۶. **کفر:** یکی از اساسی‌ترین انحراف اعتقادی که موجب بدترین کفر یهود به ویژه دانشمندان و بزرگان آنها شد لجاجت و عناد و تعصب در مقابل حق و جمود به باورهای غلط است در حالی که به خوبی صراط مستقیم و حق را می‌شناختند مخالفت و مقاومت یهود و کفر ورزیدن آنها به خاطر شک و تردید در حقانیت پیامبر نبود، بلکه تنها پیامبری از بین بنی اسرائیل می‌خواستند تا منافع و

موقعیت آنها متزلزل نشود، لذا با لجاجت و عناد به مخالفت پرداخته و با صراحت در برابر دعوت هدایت بخش آن حضرت گفتند ما از گفته‌های تو چیزی نمی‌فهمیم و دل‌های ما در غلاف است. کسانی که حقانیت پیامبر خدا را نمی‌پذیرند از تقوای الهی نیز بی‌بهره بوده و عاقبت شومی در انتظار آنها خواهد بود. در فصل بیست و چهارم و یقرا آمده است: و کسی که نام خداوند را کفر گوید حتماً کشته شود. حتماً تمام جماعت او را سنگ‌باران کنند. چه غریب و چه تابع وقتی که نام (صریح خداوند) را کفر گوید کشته خواهد شد.

۴-۶. شرک: در میان قوم یهود، شرک از جمله موانع مهم تقوی محسوب می‌شود و بر اساس مستندات تاریخی، عهد عتیق به موارد متعددی از عصیان شرک و بت‌پرستی قوم بنی اسرائیل اشاره کرده است؛ ای خاندان یعقوب جمیع قبایل خانواده اسرائیل کلام خداوند را بشنوید خداوند چنین می‌گوید: پدران شما در من چه بی‌انصافی یافتند که از من دوری ورزیدند و اباطیل را پیروی کرده باطل شدند (ارمیا نبی، ۲، ۴ و ۵). و چون شما می‌گویید که یهوه خدای ما چرا تمامی این بلاها را بر ما وارد آورده است آنگاه تو به ایشان بگو از این جهت که مرا ترک کردید و خدایان غیر را در زمین خویش عبادت نمودید. پس غریبان را در زمینی که از آن شما نباشد، بندگی خواهید نمود (ارمیا نبی، ۵، ۱۹).

و یربعام در دل خود فکر کرد که حال سلطنت به خاندان داوود خواهد برگشت اگر این قوم به جهت گذراندن قربانی‌ها به خانه خداوند به اورشلیم بروند همانا دل این قوم به آقای خویش رجبام پادشاه یهود خواهد برگشت و مرا به قتل رسانیده، نزد رجبام پادشاه یهودا، خواهند برگشت. طلا ساخت و به ایشان گفت برای شما رفتن تا به اورشلیم زحمت است. هان اسرائیل (این‌ها هستند) خدایان تو که تو را از زمین مصر، برآوردند و یکی را در «بیت ئیل» گذاشت و دیگری در «دان» قرارداد. و این امر باعث گناه شد و قوم پیش از آن یک، تا دان می‌رفتند و خانه‌ها را در مکان‌های بلند ساخت و از تمامی قوم که از بنی لاوی نبودند کاهنان تعیین نمود. و یربعام عیدی در ماه هشتم در روز پانزدهم ماه مثل عیدی که در یهود است برپا کرد و نزد آن مذبح می‌رفت و در «بیت ئیل» همانطور عمل نموده برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی می‌گذرانید با کاهنان مکان‌های بلند را که ساخته بود در بیت ئیل قرار داده و در روز پانزدهم ماه هشتم یعنی

در ماهی که از دل خود ابداع نموده بود نزد مذبح که در بیت ئیل ساخته بود، می‌رفت و برای بنی اسرائیل عید برپا نمود نزد مذبح برآمده بخور می‌سوزانید(اول پادشاهان، ۱۲، ۲۳-۲۶).

۵-۶. **کذب و دروغ‌گویی:** در بین ۶۱۳ فرمان تورات، تنها در مورد صداقت امر به پیگیری و تعقیب آن شده است(تثنیه، ۲۰، ۱۶). در مورد اجتناب از سخن دروغ امر به دوری جستن شده است(خروج، ۷، ۲۳). به این مفهوم که نه فقط پرهیز از دروغ‌گویی لازم است بلکه در نظر گرفتن حریمی برای دوری از هر نوع کلام دروغی ضروری است. دروغ یکی از بزرگ‌ترین موانع تقوی است که سبب بی‌تقوایی افراد می‌شود.

اهل صداقت بودن، در تورات ضامن طول عمر و زندگی توام با سعادت و خوشبختی عنوان شده است (سفر تثنیه ۲۰، ۱۶) «کدام فرد است که مایل به زندگی است، طول عمر را دوست دارد تا خوبی را ببیند؟ زیانت را از بدی نگهدار و لبانت را از سخنان حيله‌آمیز»(مزامیر، ۳۴، ۱۳-۱۴).

۷. راهکارهای رفع موانع تقوی بر اساس منابع عهد عتیق

بر اساس منابع عهد عتیق از جمله موارد مهم در حفظ تقوی؛ دوری از گناه و توبه از آن، ظلم نکردن به دیگران، حفظ حقوق همسایه، نداشتن طمع به اموال دیگران و... است و توجه به اعمال عبادی و انجام عبادات مستمر با هدف تطهیر از گناهان و در نظر گرفتن اعمالی همچون روزه گرفتن برای جبران گناهان، از جمله موارد رفع موانع تقوی است. در منابع عهد عتیق به انجام عبادات بسیار تأکید شده است به طوری که یهودیان برای انجام عبادت‌های خود در عصر روزهای جمعه به کنیسه(محل عبادت) می‌روند تا خود را برای عبادت روز شنبه(سبت) آماده کنند(مبلغی، ۱۳۷۳ش، ۲/۶۲۹).

تأکید به انجام عبادت‌های طولانی با مضامین مختلف برای رفع موانع تقوی تأثیر بسزایی داشته و انجام ندادن این عبادات سبب تشدید گناهان شده و بر موانع تقوی می‌افزاید. یهودیان ادعیه‌ای دارند که در کنیسه می‌خوانند(اسلامی، ۱۳۸۰ش، ۴۶).

بر اساس منابع عهد عتیق مجموعه دستورات اخلاقی وجود دارد که همگی بر حفظ تقوی و رفع موانع آن تأثیر مهمی دارند. برخی از این دستورات عبارتند از:

۱. غریب نوازی، دستگیری از ناتوانان و ایتم(غریب را میازار، بیاد آور که در سفر غریب بودی).
۲. بر کارگران که فقیر و مسکین‌اند، خواه از برادرانت و خواه از غریبان، ظلم و ستم روا مدار.

۳. بیوه زنان و یتیمان را اذیت مکن.
 ۴. همسایگان خود را مانند خودت دوست بدار و از ابنای قوم خویش انتقام مگیر و کینه نوز، پیرمردان را گرامی بدار.
 ۵. برادر خود را برای سود قرض مده اگر به فقیری نقدی قرض دادی ربا و سود از او مگیر.
 ۶. ترس از خداوند عمر را طولانی می‌کند.
 ۷. هر کس که به راستی سخن گوید، عدالت را ظاهر می‌کند.
 ۸. به عهد خود وفا کن.
 ۹. تواضع و فروتنی مقدمه عزت است.
 ۱۰. به یکدیگر دروغ نگویند قسم دروغ به نام خدا یاد نکنید (مبلغی، ۱۳۷۳ ش، ۱/۶۳۲).
- زمانی که موسی (ع) در طور سینا به مدت چهل شبانه روز در مناجات با پرورگار بود؛ الواحی از سوی خداوند به ایشان وحی شد که مشتمل بر ده فرمان بود: ۱- برای خود خدایی جز من قرار ندهید. ۲- به بت سجده نکنید. ۳- نام خدا را به باطل نبرید. ۴- روز شنبه را گرامی بدارید. ۵- پدر و مادر را احترام کنید. ۶- کسی را به قتل نرسانید. ۷- زنا و عمل خلاف عفت نکنید. ۸- دزدی نکنید. ۹- علیه همسایگان شهادت دروغ ندهید. ۱۰- به اموال و ناموس و بندگان و همسایگان طمع نوزید (مشکور، ۱۳۵۹ ش، ۱۲۲-۱۲۳).
- علاوه بر اینکه از جمله عبادات واجب برای یهود قربانی در اعیاد و انجام همه ساله حج است، پرداخت زکات و صدقه و به عمل آوردن نذر نیز از جمله باورهای مهم ایشان به شمار می‌آید که هر کدام از این باورها در رفع موانع تقوی موثر است (قزوینی، ۱۳۹۷ ش، ۷۶-۷۷).

۸. وجوه اشتراک و افتراق درباره موانع تقوی در قرآن کریم و عهد عتیق

ناامیدی، غفلت، کاهلی، نداشتن اراده راسخ، سهل انگاری و اصرار بر گناه، توبه نکردن و پشیمان نبودن از انجام گناهان، سهل انگاری در امور عبادی، خصومت با دیگران، خیانت، کنترل نکردن زبان، غیبت، تهمت، سخن چینی و نداشتن خویشتر داری و صبر، نداشتن اخلاق نیک و بسیاری از رذایل اخلاقی و گناهان آشکار و پنهان، از جمله موارد مشترک میان دو مکتب هستند که در بازدارندگی از تقوی نقش اصلی و مهمی دارند. و نوع دستورات عبادی و نحوه انجام عبادات،

میزان آن، هشدارها، توصیه‌ها و همچنین شدت برخورد و مواجهه هر مکتب با گناهان نیز از جمله مواردی است که در دو مکتب متفاوت است.

یهودیان شریعت را یکی دانسته و ابتدا و انتهای آن را به موسی می‌دانند و بر این باورند قبل از موسی شریعت احکام و دین دیگری نبوده و بعد از آن نیز نخواهد بود زیرا معتقد هستند نسخ احکام و دستورات الهی جایز نیست چرا که مدعی هستند موسی گفته است آیین من هرگز منسوخ نخواهد شد برخلاف مسلمانان، یهودیان با وجود اعتقاد به آخرت و روز جزا، سزا و جزای اعمال انسان را بیشتر در این جهان می‌دانند. این اعتقاد پس از آزادی ایشان از اسارت بابل از دین زرتشتی فرا گرفته شده است. یهودیان توجه خاصی به ادای قربانی‌های خویش در مراسم‌های مختلف دارند و این امر از جمله اعتقادات و عبادت‌های مهم ایشان است. با عناصر غیر یهودی ازدواج را حرام می‌دانند در روز شنبه کار نمی‌کنند یا کسی را در خانه به کار نمی‌گمارند.

از مهم‌ترین تفاوت‌های موجود میان دو مکتب که بر اساس مطالعات تاریخی قابل استناد است مسئله عدم تحریف قرآن کریم است؛ اما در استناد و انتساب تورات کنونی به حضرت موسی نیز دلیل واضح و قاطعی وجود ندارد، و ادعای آنها در این امر، از حد ظن و گمان تجاوز نمی‌کند، به‌همین خاطر برخی از علمای اهل کتاب در این استناد و انتساب صریحاً اظهار شک و تردید نموده‌اند. تورات در طول نسل‌ها پدید آمده است (میشل، ۱۳۷۷ش، ۱۳۲).

بررسی روند تاریخچه جمع آوری کتب عهد عتیق و همچنین محتویات و مضامین آن بخوبی نشان می‌دهد که آنها را نمی‌توان به کسانی که این کتب به نام آنها مشهور شده است نسبت داد. با نگاهی بر سیر تاریخی و نظرات متفاوت اندیشمندان و متفکران یهودی، چندین منبع برای تورات تشخیص داده شده است. به طوری که در اوایل قرن هجدهم کشیشی به نام برنارد ویتتر مدعی شد که در کتاب آفرینش دو روایت مختلف با هم مخلوط شده‌اند. پس از او ژان آستروک طیب لویی پانزدهم، به این دوگانگی پی برد و چون دو نام برای خدا در آن یافت اظهار کرد که این کتاب دارای دو منبع بوده است که یکی را یهوه‌ای و دیگری را الوهیمی نامید. در اواسط قرن نوزدهم هرمان هاوایت فلد سه منبع برای کتاب آفرینش تشخیص داد که یکی از آنها را خیلی جدیدتر حدس می‌زد و بالاخره چهار منبع برای تورات تشخیص داده شد که حدس زده می‌شود منبع اول ۹۵۰ سال، دوم ۸۵۰ سال و سوم ۷۰۰ سال و منبع چهارم ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به این

طرف نوشته شده باشد(شربوک، ۱۳۷۴ش، ۲/ ۶۰۴؛ اپساتین، ۱۳۸۸ش، ۱۹۲؛ آشتیانی، ۱۳۸۶ش، ۳۴).

مطلب بعدی درباره احکام عشره است؛ آن طور که در احکام عشره «۱۰ حکم الهی» در باب بیستم از سفر خروج آمده: قتل نفس، زنا، سرقت، شهادت به دروغ، بت پرستی، آزدن همسایه و به باطل نام یهوه را بُردن در نزد ایشان حرام است و پرستش خدای یکتا و احترام به روز شنبه و به پدر و مادر بر ایشان واجب است(توفیقی، ۱۳۹۸ش، ۱۳۴). در قرآن کریم آیاتی نیست که کاملاً بیانگر ۱۰ فرمان باشد. در عین حال در دو مورد قرآن به صورت کلی به ۱۰ فرمان موسی در کوه سینا اشاره کرده است. یک بار با واژه میثاق به ۱۰ فرمان اشاره شده است. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ (بقره: ۸۳). و یک مرتبه هم با این واژه آمده است: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَلُونَ (بقره: ۸۴).

حکیم ترمذی از طرفداران اعتقاد به برابری دقیق احکام دهگانه کتاب مقدس و قرآن کریم است. ترمذی در مبحث(کلمات العشر) همچون طبرسی به نقل از وهب بن منبه به تفسیر کلمات عشر کتاب مقدس می پردازد. و تأکید می کند که فرامین کتاب مقدس دقیقاً با آیات قرآن کریم قابل تطبیق هستند و این مطلب را چند بار تکرار می کند(ترمذی، ۱۹۹۲ق، ۴/ ۲۰).

ادیب و مفسر قرآن ابواسحاق الثعالبی مانند طبرسی در کتاب قصص الانبیا به موضوع الواح موسی پرداخته است(ثعالبی، ۱۴۱۱ق، ۸۲۵).

سیوطی نیز ۱۰ فرمان تورات را مصداق آیه قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا(انعام: ۱۵۱)، دانسته است(سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۱/ ۱۱۶).

بر اساس منابع دیگر که از آیات قرآن استنباط می شود الواحی که خداوند به موسی اعطا کرد هم شامل ۱۰ فرمان بود و هم کل تورات(اسفار پنجگانه) را در بر داشت، همان الواحی است که نزد امام است، چنان که امام صادق(ع) فرمود: ما امامان این الواح را در اختیار داریم عصای موسی در دستان ماست پیامبر آنها را برای ما امامان به میراث گذاشته است(عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۲/ ۲۸).

سید قطب در تفسیر آیات ۱۵۱-۱۵۳، سوره انعام می گوید: با تأمل بر رویده فرمان می فهمیم که این آیات چشم انداز کامل دین اسلام است. این آیات مهم ترین عنصر حیات بشری و وجدان انسانی را(اعتقاد به وحدانیت خداوند) و نیز اساسی ترین اصول حفظ بنیان خانواده، جامعه و

امنیت متقابل فرد و جامعه، که حقیقتاً برای زندگی اجتماعی و تضمین حقوق افراد لازم است، بیان می‌کند(شاذلی، ۱۴۰۸ق، ۳/ ۱۲۲۹).

مطلب دیگر درباره عباداتی است که در رفع موانع تقوی موثر بوده و گروهی انجام می‌شود؛ بر اساس منابع قرآنی بسیاری از عبادات به صورت جمعی انجام می‌شود، مانند نماز جماعت در مساجد که در سه نوبت برگزار می‌شود. علاوه بر این در روز جمعه، نماز جمعه به صورت جماعت همراه با خطابه‌های امام جماعت برگزار می‌شود که در خطبه‌های نماز جمعه یکی از مهم‌ترین مسائلی که بدان تأکید می‌شود مسئله رعایت تقوی و دعوت به تقوای الهی است. در نمازهای جماعتی که در مساجد همه روزه برگزار می‌شود آثار متعددی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها حفظ تقوای فردی و جمعی است.

بر اساس منابع عهد عتیق، نماز یهودیان فصلی از زبور داوود است که روزی سه بار می‌خوانند و نماز جماعت ایشان بیشتر جنبه آموزش دارد و حداقل نفرات در جماعت آنها باید ۱۰ نفر باشد که کمتر از این تعداد نفرات، نماز جماعت محسوب نمی‌شود. از مهم‌ترین عبادات یهود قربانی کردن برای سه مناسبت(بی‌کوری، دائمی و کیپور) است که یکی از قربانی‌ها مربوط به کفاره گناهان است که پس از ارتکاب گناه باید انجام شود و یهودیان از آن به عنوان «کیپور» نام می‌برند. یعنی پس از ارتکاب گناه کفاره آن قربانی کردن است که این امر جنبه پیشگیری نداشته و بیشتر جنبه تنبیهی دارد. اما در اسلام بر اساس آیات قرآن کریم برای جلوگیری از گناه، سفارش به عبادت‌های فردی و جمعی مختلفی شده است. از جمله: روزه، نماز، جهاد در راه خدا، نیکی به پدر و مادر، انفاق و احسان به دیگران، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و... که همگی بیشتر جنبه بازدارندگی از گناه دارند.

در منابع عهد عتیق رعایت حال یکدیگر و ظلم نکردن به هم نوعان، از جمله مصادیق مهم تقوی به شمار می‌آید و بر آن تأکید بسیار شده است و این موضوع در قرآن بیان شده است، و بر همین اساس، ظلم کردن به دیگران، غیبت کردن، تهمت زدن، مسخره کردن، عیب‌جویی و دادن لقب‌های زشت، علاوه بر اینکه از مصادیق ظلم و حق‌الناس است، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از تقوی محسوب می‌شود.

یکی از وجوه مشترک میان قرآن کریم و عهد عتیق، تحریم ربا است. هر دو مکتب این عمل را ناپسند دانسته و پیروان خود را از آن نهی می‌کنند. در تورات کتاب خروج، فصل ۲۲، آیه ۲۵ آمده است: اگر به یکی از افراد قوم خود که محتاج باشد پول قرض دادی، مثل رباخوار رفتار نکن و از او سود نگیر.

در قرآن کریم درباره ربا آمده است که: *أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا* (بقره: ۲۷۵). در جایی دیگر آمده: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا* (بقره: ۲۷۸).

از دیگر موارد مشترک در دو مکتب، تحریم خوردن گوشت خوک است. در منابع عهد عتیق آمده است که گوشت خوک را نباید خورد؛ زیرا هرچند شکافته سم است ولی نشخوار نمی‌کند (لاویان، ۱۱-۶-۷). در قرآن آمده است: *إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِزْيِرِ* (نحل: ۱۱۵). خداوند مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر الله بر آن گفته شده را بر شما حرام کرده است. *وَمَا أَهْلَ بِهِ لَعَبْرَ اللَّهِ* (بقره: ۱۷۳). همچنین در آیات ۱۷۱ سوره بقره، ۳ مائده، و ۱۴۵ انعام نیز، مشابه آیه فوق آمده است.

مسئله بعدی تحریم همبستری با محارم است که بر اساس منابع عهد عتیق و تعالیم قرآنی مورد نهی واقع شده است. در قرآن کریم آمده است: *حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ* (نساء: ۲۳). در منابع عهد عتیق نیز آمده است: هیچ یک از شما نباید با محارم خود همبستر شود. با مادر خود همبستر نشو زیرا با این کار به او و پدرت بی احترامی می‌کنی. با خواهر تنی یا ناتنی خود همبستر نشو؛ چه دختر پدر و چه دختر مادرت و چه در همان خانه و چه در جای دیگر، همبستر نشو. با دختر پسر یا دخترت همبستر نشو، با دختر زن پدرت همبستر نشو، با عمه خود همبستر نشو، با خاله خود همبستر نشو... و الی آخر (لاویان، ۱۸/۶).

یکی از متشابه‌ترین موضوع میان قرآن و عهد عتیق مسئله قصاص است، چنانچه در آیات قرآن و تورات، متشابه‌ترین آیات مربوط به قصاص را مشاهده می‌کنیم. این تشابه در حدی است که قطعاً برای کسی که اولین بار آن را می‌خواند، بسیار جالب و قابل توجه خواهد بود. بر اساس منابع عهد

عتیق؛ هر که صدمه‌ای به کسی وارد کند، باید به خود او نیز همان صدمه وارد شود. شکستگی در برابر شکستگی، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. پس هر کسی حیوانی را بکشد باید آن را عوض دهد + و اما اگر انسانی را بکشد باید کشته شود. همین مضمون در سوره مائده آمده است: وَكَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهٗ (مائده: ۴۵).

در این آیه قرآن تأکید دارد که این حکم را خداوند در تورات هم مقرر کرده بود. اینجاست که مفاهیمی نظیر فطرت مشترک انسان‌ها، وجود خدای یگانه در همه دوران‌ها و منشا واحد داشتن دعوت انبیای الهی بیشتر تجلی پیدا می‌کند.

۹. دیدگاه منتخب

آداب و آیین‌های دینی قوم یهود، بر حسب احتیاجات و تمایلات دوره‌های مختلف تغییر کرده است که این امر اصول و کیفیت دینداری آنان را نیز تحت الشعاع قرار داده است. و این در حالی است که اساس آموزه‌ها و تعالیم قرآنی بر اساس نیازها و تمایلات نبوده و عیناً از آیات قرآن کریم و به وسیله پیامبر اسلام به پیروان ایشان رسیده است (محمودی، ۱۳۹۴ش، ۷۹).

با مقایسه میان قرآن و عهد عتیق در زمینه تقوی؛ میزان تأثیر دستورات و نتیجه عملکرد دو مکتب در رفع عوامل بازدارنده از تقوی بر اساس دیدگاه و رویکردشان مشخص شد. یعنی نوع نگاه و مواجهه، کیفیت و میزان اثر راهکارهای رفع موانع تقوی در دو مکتب، روش برخورد با عوامل بازدارنده از تقوی و میزان رسیدن به نتیجه مطلوب در دو مکتب و... نمایان شد. بر اساس تعالیم قرآن کریم، تقوی اصطلاحی اسلامی برای آگاهی و شناخت نسبت به خدا، حقیقت و واقعیت عقلانی است و علاوه بر اینکه تقوی، ترس از خداوند است، به عنوان یک هدف ارزشمند و عامل رستگاری انسان و یکی از هدف‌های نزول قرآن معرفی شده و نسبت به اهمیت و ضرورت آن بسیار تأکید شده است. چنان‌که خداوند در آیه‌ی «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمَعُوا وَاطِيعُوا» (تغابن: ۱۶) همگان را به رعایت تقوای الهی سفارش می‌نماید و طبق این آیه، حفظ تقوای الهی امری ضروری است که در صورت قصور، موانعی ایجاد می‌شود که در سرنوشت انسان تأثیر بسزایی داشته و او را دچار گرفتاری‌های متعددی می‌کند.

برای رهایی از گرفتاری‌ها، ضروری است که پس از مشخص شدن موانع و ابعاد آن بر اساس آموزه‌های دینی عمل نمود. براساس تعالیم قرآنی برای رفع موانع تقوی راهکارهایی پیشنهاد شده است که ابعاد و محتوای جامع و کاملاً کاربردی است که البته این امر در یهودیت به این شکل و ابعاد نیست. در اهمیت تقوی، دانشمندان یهود نیز معتقدند که پرهیزگاری از مراحل است که حتی منجر به کسب مقام نبوت می‌شود. یهود، به منزله یک دین الهی که در آن به انجام اعمال نیک و پرهیز از گناه سفارش شده است و سنت اخلاقی مهمی دارد و مبنای این اخلاق نیز رعایت تقوای الهی بر مبنای کتاب مقدس است. براساس منابع عهد عتیق به مسئله رعایت تقوی و اخلاق توجه ویژه‌ای شده و زندگی اجتماعی و دینی مردمان را چیزی مستقل و جدای از اعمال نیک و دوری از محرمات نمی‌داند. شش فرمان از فرامین ده گانه ماهیت اعمال نیک دارند، لذا در دین یهود نمی‌توان میان فرامین دینی و اخلاقی و به عبارت دیگر، میان اخلاق و دین تمایز گذاشت. بنابراین برخی سفارش‌های مهم و عقاید نیک در عهد عتیق وجود دارد که در برخی موارد در حفظ تقوی و رفع موانع آن موثر است.

بر اساس آیات قرآن؛ مجموعه اعمال عبادی فردی و گروهی، اوامر و نواهی، پاداش دنیوی و اخروی برای ترغیب به انجام اعمال نیک، و همچنین نهی از ارتکاب گناه و هشدارهای موجود در آیات قرآن کریم به انسان از سرانجام و عاقبت نافرجام؛ همگی با محوریت تعالیم قرآنی در مکتب اسلام به صورت جامع و کامل وجود داشته و بسیار کاربردی و راهگشا بوده که در نوع خود بی نظیر است.

نتیجه

دستیابی به تقوی اگرچه در آغاز سخت و مشکل است؛ اما پس از تحمل زحمت و مراقبت، این-گونه تقوی و پرهیز می‌تواند به تقوای کامل تبدیل شده و موانع آن را به کلی برطرف کند، زیرا با استمرار بر حفظ تقوای الهی، به تدریج لذت‌های دنیوی در نگاه انسان بی‌ارزش شده و در عوض لذت‌های معنوی (اخروی) ارزشمند خواهد بود.

با توجه به مطالب ذکر شده نتایج زیر به دست می‌آید.

۱. داشتن تقوی و حفظ آن، لازمه‌اش شناخت موانع است.

۲. شرط تقویت تقوی رفع موانع است.

۳. بر اساس تعالیم قرآن کریم و منابع عهدعتیق؛ انجام عبادات در رفع موانع تقوی بسیار موثر بوده و در مقابل ارتکاب گناه و نافرمانی از اوامر الهی، در ایجاد موانع بازدارنده از تقوی نقش اساسی دارد.
۴. بر اساس منابع قرآن و عهد عتیق؛ تنها افراد و جامعه‌ای به سعادت‌مندی و عاقبتی نیک، دست خواهند یافت، که در رفع موانع بازدارنده از تقوی موفق بوده باشند.
۵. با توجه به اوامر و نواهی موجود در قرآن برای رفع موانع تقوی، به نظر می‌رسد مواردی که برای رفع موانع در قرآن ذکر شده، نسبت به منابع عهد عتیق، حاوی مطالب عمیق‌تر و جامع‌تری بوده است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم،

۱. کتاب مقدس (۱۳۸۳)، *عهد عتیق و عهد جدید*، مترجم: هنری مرتن، ویلیام گلن، فاضل خان همدانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
۲. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۸)، *راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی*، تهران، انتشارات توس.
۳. آشتیانی، احمد (۱۳۶۲)، *طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز*، تهران، انتشارات کتابفروشی صدوق.
۴. آشتیانی، جلال الدین (۱۳۸۶)، *تحقیقی در دین یهود*، تهران، انتشارات نگارش.
۵. آملی، حیدر (۱۴۱۳ق)، *تفسیر المَحیطُ الاَعْظَمُ*، قم، انتشارات نور علی نور.
۶. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۴ق)، *التحریر و التنویر*، تونس، انتشارات دارسحنون.
۷. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۲۶ق)، *لسان العرب*، تحقیق: یوسف البقاعی و ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، انتشارات مؤسسه علمی مطبوعات.
۸. ایستاین، ایزیدور (۱۳۸۸)، *یهودیت*، مترجم: بهزاد سالکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۹. اسلامی، حسین (۱۳۸۰)، *نگرشی بر ادیان الهی*، تهران، انتشارات بهراد.
۱۰. ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۷۳)، *خدا و انسان در قرآن*، مترجم: احمد آرام، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران، انتشارات دنیای دانش.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۲ق)، *نوادراصول فی احادیث الرسول*، بیروت، انتشارات دارالجلیل.
۱۳. توفیقی، حسین (۱۳۹۸)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. _____ (۱۴۰۰)، *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران*، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق)، *قصص الانبیاء المسمی بعرائس المجالس*، قاهره، انتشارات دارالاحیاء.
۱۶. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۹۰)، *سیمای یهود در قرآن*، قم، انتشارات زمزم هدایت.
۱۷. حیدری، سید کمال (۱۴۲۶ق)، *التقوی فی القرآن*، قم، انتشارات دار فراق.
۱۸. جلیلی، جلیل (۱۴۰۰)، *تقوا سکوی پرواز*، قم، انتشارات دانشگاه معارف اسلامی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، انتشارات دارالعلم.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، انتشارات دارالفکر.
۲۱. شاذلی، سیدبن قطب بن ابراهیم (۱۴۰۸ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، انتشارات دارالشرق.
۲۲. شربوک، دان کوهن (۱۳۷۴)، *دین یهود در جهان مذهبی*، مترجم: عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، مترجم: علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران، انتشارات مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.

۲۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (۱۴۰۴ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۵. طباطبایی تبریزی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
۲۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)*، بیروت، انتشارات دار المعرفه.
۲۸. عباسی، بابک (۱۳۸۲)، *تقوا در دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۷، تهران، انتشارات بنیاد دائره المعارف اسلامی.
۲۹. عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۴۱۸ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ چهارم، بیروت، انتشارات دارالفکر.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات المطبعه العلمیه.
۳۱. فعال عراقی، حسین (۱۳۸۱)، *یهود در المیزان*، تهران، انتشارات سبحان.
۳۲. قرائتی، محسن، (۱۳۷۹)، *تفسیر نور*، چاپ پنجم، قم، انتشارات مؤسسه در راه حق.
۳۳. قزوینی یزدی، جلیل بن محمد اسماعیل (۱۳۹۷)، *محضر الشهود فی ردّ الیهود*، قم، انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۳۴. کفعمی، تقی الدین (۱۴۲۴ق)، *المصباح فی الادعیه و الصلوات و زیارات*، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۵. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات دارالمکتب الاسلامیه.
۳۶. باسیم، یولس (۱۹۸۶م)، *معجم اللاهوت الکتابی*، بیروت، انتشارات دارالمشرق.

۳۷. مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۳)، *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، چاپ اول، جلد دوم، قم، انتشارات منطق (سینا).
۳۸. مشکور، محمدجواد (۱۳۸۰)، *خلاصه ادیان در دین‌های بزرگ*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات شرق.
۳۹. محمودی، سید احمد (۱۳۹۴)، *شناخت ادیان*، چاپ ششم، قم، انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر مصطفی (ص).
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲)، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه.
۴۲. میشل، توماس (۱۳۷۷)، *کلام مسیحی*، مترجم: حسین توفیقی، چاپ چهارم، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، بیروت، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۴۴. نیکزاد، عباس (۱۳۹۳)، *کتاب مقدس زین‌ذره بین*، چاپ اول، تهران، نشر معارف.
۴۵. نیوزنر، جیکوب (۱۳۸۹)، *یهودیت*، مترجم: مسعود ادیب، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۶. هرتزبرگ، آرتور (۱۳۹۸)، *یهودیت از لابه لای متون*، مترجم: عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، انتشارات دانشگاه مفید.